

## عناصر ارتباطات غیرکلامی در داستان «من گنجشک نیستم» نوشته مصطفی مستور

سمیه حاجتی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان

دکتر احمد رضی

استادیار دانشگاه گیلان

### چکیده

ارتباطات غیرکلامی یکی از شیوه‌های برقراری تعامل است که روایت آنها در شکل‌گیری عناصر داستانی نقش به‌سزایی دارد و داستان نویسان توانا برای ارائه منطقی‌تر و باورپذیر کردن داستان تلاش می‌کنند تا مجموعه‌ای از روابط کلامی و غیرکلامی شخصیتها را در کنار هم روایت کنند. در رفتارهای غیرکلامی پنج رکن ارتباطی از هم قابل تفکیک است ۱- فرستنده، که آغازگر تعامل است. ۲- گیرنده، که رفتارش در ادامه یافتن ونحوه ارتباط تأثیر گذار است. ۳- وسیله ارتباطی، که کانالهای بسیار وسیعی در حوزه‌های مختلف ایماها، اشارات، پیرازبان، رفتارهای چهره، محیط و.. را شامل می‌شود. ۴- محتوای پیام، که بسته به نیت فرستنده و موقعیتی که در آن رفتار انجام می‌شود برداشت‌های متمایزی از آن صورت می‌گیرد. ۵- تأثیر ارتباط، مقوله‌های مربوط به بازخورد را که به صورت ارادی غیرارادی، همزمان و غیرهمزمان با رفتار فرستنده می‌تواند باشد در برمی‌گیرد.

در این پژوهش تلاش شده است با نگاهی میان رشته‌ای داستان «من گنجشک نیستم» نوشته مصطفی مستور از این منظر مورد تحلیل قرار گیرد تا نشان داده شود که چگونه روایت ارتباطات غیرکلامی شخصیت‌های این داستان مکمل روایت روابط کلامی آنان بوده و نقش کدام یک از این عناصر پنجگانه در جریان برقراری تعامل‌های شکل گرفته در داستان پررنگ‌تر است و اینکه کدام یک از وسایل ارتباطات غیرکلامی در شخصیت‌پردازی و صحنه‌پردازی تأثیر بیشتری دارد.

کلید واژه‌ها: رفتار غیرکلامی، پیام، شخصیت، نشانه، بازخورد، روایت

## مقدمه

مصطفی مستور از داستان‌نویسان موفق معاصر است که داستان‌های او در سال‌های اخیر مورد استقبال خوانندگان و منتقدان قرار گرفته است. مستور آثاری چون «روی ماه خداوند را ببوس» (۱۳۷۹)، «استخوان خوک و دست‌های جذامی» (۱۳۸۳)، «من گنجشک نیستم» (۱۳۸۷) و چند مجموعه داستانی را در کارنامه خود دارد. آخرین اثر وی مجموعه داستان کوتاه «تهران در بعدازظهر» در بهار ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است. آثار مستور بیشتر انعکاس دردها و رنج‌های افراد جامعه است ولی نه درد و رنج ناشی از فقر مادی بلکه درد ناشی از فقر معنوی و روحی. شخصیت‌های داستان‌های مستور به ویژه داستان «من گنجشک نیستم» از اوضاع جامعه و موقعیت خود ناخوشنودند و در زندگی آنان حضور بختک وار یک تقدیر فاجعه آمیز مشاهده می‌شود به طوری که هر کدام آنان به نوعی میل به گریز از خود دارند «دانیال نازی» با دیدن افراد جامعه از آدم بودن گریزان است. «ابراهیم» از زندگی خودش فرار می‌کند و مدام در خیال همسر و فرزند از دست داده‌اش است، کابلی هم مثل ابراهیم زندگی اکنون خود را فراموش کرده است و ... مضامینی چون مرگ اندیشی، یأس شدید، به تنگ آمدن از روال زندگی، سیاه انگاری زندگی و تلخ اندیشی و ... در داستان موج می‌زند.

به نظر می‌رسد این شیوه داستان‌نویسی مستور به شکل و سیاقی خاص ادامه ادبیات سترون دهه‌های قبل باشد اگرچه تلخ اندیشی‌های او به شدت هدایت، دولت آبادی، ساعدی، و ... نیست ولی تقریباً عنصر مسلط در اغلب داستان‌های اوست حتی عشق که مضمونی تکراری در تمام داستان‌های اوست، تلخ است. زشتی‌ها و پلشتی‌هایی که در ادبیات سترون وجود دارد در آثار مستور نیست، اما داستان‌های او تباهی انسان‌ها و تسلیمشان در برابر جبر حاکم بر زندگی را نشان می‌دهد. به طوری که شخصیت‌ها، افرادی منفعل، مرگ اندیش و غرق در وحشت‌های عظیم و سنگین روحی و معنوی، کابوس‌ها و هراس‌هایند.

برای کشف ابعاد شخصیت‌های داستان توجه به رفتارها و ارتباطات غیرکلامی حائز اهمیت است به ویژه در این داستان که فضا و ارتباط افراد شکل خاصی دارد و داستان روایت شخصیت‌هایی است که به علت عدم تعادل روانی دور از جامعه هستند و تعامل‌های ویژه‌ای با هم‌دیگر دارند.

بررسی نحوه رفتارها و عناصر ارتباطی شخصیت‌ها؛ پیام‌هایی که بین فرستنده و گیرنده در ارتباطات غیرکلامی رد و بدل می‌شود، مجرای ارتباطی و بازخوردها، گویای ابعاد تازه‌ای از داستان و شخصیت‌هاست.

عناصر ارتباط از دیدگاه نظریه پردازان به صورت‌های مختلف ارائه شده است. از جمله آنها نظریه رومن یاکوبسن است. او مدلی برای ارتباط ارائه می‌کند که دارای چند وجه است. فرستنده که پیام را از طریق مجرای ارتباطی (رفتارها، اشارات، آواها و ...) با رمزگذاری در بافتی خاص به گیرنده انتقال می‌دهد. (نک: مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

در داستان گیرنده به دو گونه مستقیم، که شخصیت‌هایند و غیرمستقیم، که خوانندگان داستان‌اند وجود دارد که با توجه به رفتارها، بافت و فضای داستان مفاهیمی را دریافت می‌کنند، از این رو الگوهای چندگانه‌ایی از ارتباط در روایت داستان خلق می‌شود که با تحلیل و بررسی آنها می‌توان به نظام گسترده‌ای از مفاهیم و پیام‌ها دست یافت؛ پیام‌هایی که بر اساس تجربه و پیش زمینه ذهنی خوانندگان متفاوت‌اند.

در این نوشتار سعی شده است داستان «من گنجشک نیستم» نوشته مصطفی مستور از منظر عناصر ارتباطات غیرکلامی مورد تحلیل قرار گیرد. همچنین نشان داده شود که شخصیت‌ها بیشتر از کدام الگوی ارتباطی بین فرستنده و گیرنده و کانال‌های ارتباطی (چهره، رفتارها، فاصله و ...) برای برقراری تعامل استفاده می‌کنند، بازخوردهای رفتار آنان چگونه در روند داستان و روایت شخصیت‌ها تأثیر دارد، مهمترین عنصر ارتباطی در میان آنان کدام است و کدام یک از سه سطح ارتباطی درون فردی، میان فردی و عمومی بیشتر در روایت این داستان به چشم می‌خورد. و در روایت رفتارها کدام یک از نقش‌های تأکیدی و تکمیلی و یا متناقض در پیوند با کلام وجود دارد.

#### پیشینه تحقیق

درباره ارتباطات غیرکلامی در ادب فارسی سه رساله با عنوان‌های: بررسی و تحلیل ارتباطات غیرکلامی در مجموعه داستانهای کلیله و دمنه و بررسی ارتباطات غیرکلامی در شاهنامه فردوسی، تحلیل معانی علائم اندامی - کلامی و اندامی - غیرکلامی سخنگویان زبان فارسی و ارتباطات غیرکلامی در مثنوی معنوی صورت گرفته و هر سه در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی در مقطع کارشناسی ارشد دفاع شده‌اند. در زمینه ارتباطات غیر کلامی در ادبیات معاصر کاری صورت نگرفته است بجز رساله‌ای با عنوان ارتباطات غیرکلامی در آثار داستانی مصطفی مستور از نویسندگان این مقاله که در دانشگاه گیلان در دست انجام است.

#### خلاصه داستان

داستان با مونولوگ‌های فردی به نام ابراهیم آغاز می‌شود او همسر و فرزندش را از دست داده است و بعد از آن دچار سرگیجه‌های شدیدی شده و مدام به گذشته فکر می‌کند. خواهرش او را به یک آسایشگاه روانی

می‌آورد. مکان داستان آپارتمان تیمارستان است که در مجاورت آن یک پادگان نظامی وجود دارد که مدام از آن صدای شلیک آزار دهنده گلوله شنیده می‌شود. افراد دیگری هم در آسایشگاه هستند، از میان آنان کابلی شخصیتی است که مدت ۵ سال زندگی می‌کند. دانیال نازی تقریباً همزمان با ابراهیم آمده است. رفتارهای دانیال توجه دیگران را جلب می‌کند، فریاد می‌کشد و بلند حرف می‌زند و تنها کسی که نسبت به حالات او بی‌توجه است نوری است. هر یک از افراد دچار فشارهای روانی‌اند؛ ابراهیم دائماً به مرگ می‌اندیشد. او با دیدن تاجی پیشخدمت آنجا و شنیدن صدای بچه‌های بیرون دربارهٔ زمان مرگ آنان فکر می‌کند. وقتی دانیال و کابلی از او می‌خواهند که نزدشان بیاید قبول می‌کند ولی عملاً هیچ کاری برای بهبودی حال آنان نمی‌تواند انجام دهد. او در ملاقات با آنان رفتارهای بی‌تفاوت دارد. خارج شدن از آسایشگاه بدون اجازهٔ رئیس آنجا ممنوع است و مدام کوهی، رئیس آسایشگاه، آنان را از این کار منع می‌کند ولی افراد نسبت به گوشزدهای او بی‌توجه‌اند.

دانیال شخصیتی عجیب است که از زندگی خسته شده و چنان از شرایط به تنگ آمده است که خود را از طبقهٔ پنجم به پایین پرت می‌کند. خودکشی او دیگران را ناراحت می‌کند ولی باز هر یک به افکار پریشان خود بر می‌گردند. کابلی از ابراهیم می‌خواهد که وقتی به مرخصی رفت نزد زنی به نام پوری در کافه‌ای در جنوب شهر برود و دیگر به آسایشگاه برنگردد. ابراهیم نیز به کافه می‌رود و با پیرمردی در آنجا آشنا می‌شود که به او می‌گوید مرگ مانند مترسکی است که برای ترس گنجشک‌ها گذاشته‌اند و او گنجشک نیست که از مترسک مرگ بترسد و بدین ترتیب او را وادار می‌کند که بگوید من گنجشک نیستم تا این گونه اندیشهٔ مرگ را فراموش کند.

از خلاصهٔ داستان تا حدودی می‌توان به ساختار داستان پی‌برد. بر اساس رفتار شخصیت‌های داستان حوادثی که اتفاق می‌افتند کمتر بر پایهٔ رابطهٔ علت و معلولی‌اند و پیرنگ داستان بسیار ضعیف است. اگرچه واقعیت یک پارچهٔ به تنگ آمدن از زندگی در کلیت داستان وجود دارد اما حوادث بر پایهٔ تصادف رخ می‌دهند، زمان روایت خطی است، قهرمان‌ها و یا شخصیت‌های اصلی منفعل‌اند و کمتر بر همدیگر تأثیر می‌گذارند، کشمکش‌های شخصیت‌ها درونی و بیشتر فکری و احساسی‌اند که به صورت خودآگاه و ناخودآگاه در رفتارها و تعاملات غیرکلامی تأثیر می‌گذارند و با توجه به این موارد می‌توان گفت داستان از ویژگی ضد پیرنگ برخوردار است. (نک: مک کی، ۱۳۸۸: ۳۲).

## ۱ - عناصر ارتباطات غیرکلامی

ارتباط غیرکلامی (Non verbal communication) نقش اساسی در ارتباط انسان‌ها دارد، به طوری که برای دریافت مفهوم و منظور تعامل‌ها و یا منظور واقعی کلام افراد باید واکنش‌های غیرکلامی آنان تحلیل شود. (نک: آرژیل، ۱۳۷۸: ۱۰) در فرایند ارتباط غیرکلامی پنج رکن از هم قابل تمایز است، اگرچه در بافت ارتباطی - تعاملی پیوند خاصی بین آنها وجود دارد: ۱ - فرستنده پیام ۲ - گیرنده پیام ۳ - پیام یا محتوا و مفهوم ۴ - کانال ارتباطی ۵ - بازخورد یا فیدبک. این تقسیم بندی نشان می‌دهد که در چرخه تعاملات فقط عنصر فرستنده برجسته نیست بلکه گیرنده و نوع پیام و پاسخی که به پیام فرستنده می‌دهد تأثیر فراوانی در روند تعامل دارد. (نک: ساروخانی، ۱۳۷۵: ۳۷)

بین این پنج عنصر ارتباطی پیوند تنگاتنگی وجود دارد، به طوری که مثلاً پرداختن به عنصر فرستنده بدون توجه به دیگر ارکان ارتباطی امکان ندارد، ولی در عین حال هر کدام نقش منحصر به فرد خود را دارند. که در ادامه فرستنده و گیرنده، پیام و وسیله ارتباطی با هم مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۱ - ۱ - فرستنده و گیرنده

ساده‌ترین شکل عناصر ارتباطی که در تعامل شکل می‌گیرد الگوی جان کاتر (john kotter) است.

### فرستنده پیام ← پیام ← گیرنده پیام

اما این الگو در بافت‌های متفاوت ارتباطی، ارادی یا غیرارادی، کلامی و غیرکلامی، حضور مستقیم یا غیر مستقیم گیرنده، وجود بازخورد یا نبودن آن، مثبت یا منفی بودن بازخورد و ... اشکال متفاوتی را ایجاد می‌کند.

در تعاملاتی که در داستان شکل می‌گیرد فرستنده آغازگر است. فرستنده پیامی را با علامتی یا مجرایی ارسال می‌کند. منبع اصلی پیام فرستنده چه در ارتباطات کلامی و چه غیرکلامی مغز یا ذهن فرستنده است. گیرنده (Receiver) یا دریافت کننده پیام در داستان می‌تواند به دو صورت وجود داشته باشد: ۱ - مستقیم که شخصیت یا شخصیت‌های داستانی است. ۲ - غیرمستقیم که مخاطب یا خواننده داستان است.

در فرایند ارتباط غیرکلامی سه سطح ارتباطی مطرح می‌شود: الف - درون فردی ب - میان فردی ج - عمومی. توجه به سطح ارتباطی می‌تواند در تشخیص گیرنده پیام مؤثر باشد. ارتباط در سطح درون فردی همان ارتباط با خود یا مونولوگ در داستان است و فعالیت‌هایی چون فکر کردن، تصمیم‌گیری و خودنگری را شامل می‌شود. نمود سطح ارتباطی درون فردی در داستان مونولوگ است که گیرنده آن از نوع غیرمستقیم

یا خواننده داستان می‌باشد، و در دو سطح ارتباط میان فردی و عمومی گیرنده پیام مستقیم و از متن داستان یعنی شخصیت‌ها می‌باشد.

در بررسی داستان از میان تعاملات میان افراد چند الگوی ارتباطی با مرکزیت قرار گرفتن فرستنده و گیرنده پیام ایجاد می‌شود. اگرچه وجود بازخورد در آنها اجتناب ناپذیر است ولی تلاش شده است به تحلیل فرستنده و گیرنده پیام پرداخته شود. زمانی که فرستنده و گیرنده هر دو رفتار غیرکلامی داشته باشند چهار مدل ارتباطی به وجود می‌آید:

#### ۱) فرستنده + گیرنده (غیرمستقیم) - بازخورد

داستان مونولوگ‌هایی دارد که شخصیت اصلی، ابراهیم به صورت درد دل در دو گونه رفتار و کلام با خواننده در میان می‌گذارد و از همان ابتدای داستان تا پایان آن وجود دارد. در آغاز داستان آمده است: «تلفن زنگ می‌زند اما از روی تخت تکان نمی‌خورم» (مستور، ۱۳۸۸: ۷) فرستنده پیام ابراهیم است که ارتباطی غیرکلامی با مخاطب دارد و پیام بی‌حوصلگی و یا افسردگی را القا می‌کند. در صحنه دیگری از داستان راوی ابتدا تلویزیون را روشن می‌کند، بعد بلافاصله آن را خاموش کرده و گوشی تلفن را بر می‌دارد و سریع سر جایش می‌گذارد (همان: ۱۱) این رفتار تشویش و نگرانی او را به مخاطب ابلاغ می‌کند.

#### ۲) فرستنده + گیرنده (مستقیم) - بازخورد

در قسمتی از داستان نوری نقشی را برای افراد دیگر بازی می‌کند و آنان بدون عکس العمل فقط نظاره‌گر نمایش نوری هستند. او انگشتانش را به هم فشار می‌دهد و گره می‌زند و ژست می‌گیرد و بعد همراه با رفتار شروع به صحبت می‌کند (همان: ۵۲ - ۵۴) دیگر افراد آسایشگاه در آنجا حضور دارند ولی عکس‌العملی نشان نمی‌دهند. در بیمارستان ژستی که پزشک دارد (همان: ۹) اقتدار و اعتماد به نفس را منتقل می‌کند. گیرنده، ابراهیم در صحنه تعامل حاضر است ولی بازخوردی ندارد.

#### ۳) فرستنده (ارادی) + گیرنده (مستقیم) + بازخورد (ارادی)

در این الگوی ارتباطی فرستنده پیام را به صورت ارادی ارسال می‌کند و گیرنده که از شخصیت‌های داستان است بازخوردی ارادی و به صورت غیرکلامی در مقابل پیام فرستنده نشان می‌دهد.

ابراهیم وقتی که گورکن حفره‌ای را برای دفن فرزندش می‌کند ایستاده است و کارهای او را تماشا می‌کند. زمانی که گورکن کارش تمام می‌شود در گوشه‌ای می‌ایستد و سیگاری روشن می‌کند (همان: ۹) در

واقع گورکن به عنوان فرستنده این پیام را که کارش به اتمام رسیده و منتظر دستمزدش است به ابراهیم می‌دهد. ابراهیم نیز بدون اینکه سخنی بگوید چند اسکناس در دست او می‌گذارد. پیرمردی که در کافه بالای سر ابراهیم ایستاده و منتظر است (همان : ۷۸) ( فرستنده، ارادی، غیرکلامی ) در واقع از ابراهیم به صورت غیرزبانی برای نشستن اجازه می‌گیرد و ابراهیم هم به عنوان گیرنده پیام او حاضر است و پاسخ رفتار او را می‌دهد. در بخش‌هایی از داستان نیز تعاملات شکل‌گرفته بین شخصیت‌ها، از همین الگوی ارتباطی پیروی می‌کنند که فقط به آنها ارجاع داده می‌شود. (همان : ۴۷، ۳۲، ۱۷، ۷۸)

#### ۴) فرستنده (غیرارادی) + گیرنده (مستقیم) + بازخورد (غیرارادی)

در اکثر مواقع ابراهیم در اتاقش تنهاست. او زمانی که تاجی، پیشخدمت آسایشگاه، مشغول نظافت است نیز تعامل چندانی با او ندارد و رفتار این دو نفر در اتاق به طور غیرارادی حامل پیام است. مثلاً در جایی از داستان ابراهیم روی کاناپه دراز کشیده و کتاب می‌خواند (همان : ۵۵) تاجی هم در مقابل، رفتار او که توجهی به اطراف ندارد بی‌تفاوت مشغول کار خود است. در این مورد فرستنده به صورت غیرارادی با رفتار خود در واکنش گیرنده تأثیر می‌گذارد.

علاوه بر الگوهای ارتباطی ذکر شده که با رفتارهای غیرکلامی ایجاد می‌شوند در این داستان دو الگوی ارتباطی دیگر که عنصر فرستنده ارتباط و واکنشی کلامی یا غیرکلامی توأم با کلام دارد نیز ساخته می‌شود.

#### ۱) فرستنده (کلامی) + گیرنده (مستقیم) + بازخورد (غیر کلامی)

ابراهیم با دانیال نازی درباره شعر تازه‌ای که او گفته صحبت می‌کند اما دانیال در پاسخ سؤالات ابراهیم رفتار غیرکلامی دارد که نشان از عدم خوشنودی اوست: «چاقو را می‌گذارد کنار بشقاب کره و زل می‌زند به انگشت‌هایش» (همان : ۱۵) در این بخش‌های داستان (همان : ۴۵، ۵۵، ۳۰) نیز همین الگوی ارتباطی وجود دارد.

#### ۲) فرستنده (کلامی - غیر کلامی) + گیرنده (مستقیم) + بازخورد (غیر کلامی)

زمانی که کوهی می‌خواهد سخنرانی کند ابتدا پشت میکروفن می‌ایستد و بعد سخنرانی می‌کند. افراد آسایشگاه در صف مقابل او ساکت ایستاده‌اند. (همان : ۲۳) کوهی فرستنده است که ابتدا رفتار غیرکلامی و بعد کلامی دارد. افراد آسایشگاه گیرنده مستقیم هستند و بازخورد سکوت آنان غیرکلامی و ناشی از ترس است.

## ۱ - ۲ - پیام و مجرای ارتباطی در داستان

پیام (Message) مفهوم و منظوری است که فرستنده برای انتقال آن از مجراهای گسترده‌ای استفاده می‌کند؛ مانند رفتارهای چهره، حرکت اندام‌ها، رفتارهای آوایی، فاصله و ... کانال (channel) از پیام جدا نمی‌شود و به رمز درآوردن پیام فرایندی است که شخصیت‌ها از طریق نوع رفتار خود در پی انتقال آن هستند. با توجه به پیام و بافتی که ارتباط در آن صورت می‌گیرد مثلاً بافت خصمانه، دوستانه و صمیمی و ... مجرای ارسال پیام نیز متفاوت است.

مجراهای ارتباطی به ارتباط دیداری یا حس بینایی، ارتباط شنیداری که با تکیه بر حس شنوایی است، ارتباط چشایی یا حس چشایی، ارتباط بجاوایی یا حس لمسی و ارتباط بویایی یا شامه تقسیم می‌شود. در اینجا به دو مورد که فرستنده و گیرنده نقش بیشتری در آنها ایفا می‌کنند و در داستان نمود گسترده‌تری دارند اشاره می‌شود.

### ۱ - ۲ - ۱- ارتباط دیداری

این نوع ارتباط واکنش‌های مربوط به رفتار چشم، حرکت اندام و ظاهر فیزیکی را شامل می‌شود. چون در قسمت تحلیل مدل‌های ارتباطی بین فرستنده و گیرنده به مواردی که به طور کلی حرکت اندام‌ها در آنان نقش داشتند اشاره شد در اینجا به رفتارهای چشم اشاره می‌شود.

### ۱ - ۲ - ۱- ۱- رفتارهای چشم

چشم از مؤثرترین نمادهای دیداری است و مردم به طور خودآگاه و ناخودآگاه به رفتارهای آن توجه دارند. انواع فراوان نگاه نشان دهنده؛ تسلط، پرخاشگری، صمیمت، علاقه، انزجار و ... است. (نک : فرگاس، ۱۳۷۹ : ۱۸۹-۱۹۰) در جدول شماره ۱ به برخی از عمده‌ترین تماس‌های چشمی موجود در داستان اشاره شده است.



## جدول شماره ۱: بخشی از رفتارهای چشم در داستان «من گنجشک نیستم»

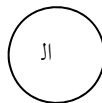
رفتار	شماره صفحه	پیام
مدام به اطراف نگاه کردن	۲۴	بی توجهی به فردی
خیره شدن به شخص	۳۵	فکر کردن درباره او
زل زدن به چیزی مثلاً سطح خالی میز و ....	۳۰، ۴۵، ۴۸، ۳۱، ۶۰، ۴۹	نوعی رفتار مرضی که در میان شخصیت‌های داستان زیاد وجود دارد
زل زدن به شخصی زمانی که صحبت می‌کند	۵۰	توجه کامل و یا اعتراض گونه
بستن چشم‌ها	۶۲	پرهیز از نگاه کردن به چیز ناخوشایند
نگاه ممتد به فردی	۳۹، ۷۷	تعجب کردن
زل زدن متقابل به چهره فردی	۴۷	اندوه و ناراحتی
نگاه یک طرفه به فردی	۳۹	تعجب کردن
زل زدن یک طرفه به شخصی	۸۰	زیر نظر داشتن او
تنگ شدن چشم‌ها	۱۶	تمرکز و دقت به چیزی

## ۱-۲-۱-۱- فاصله در روند ارتباط شخصیت‌ها

در برقراری ارتباط در مکان‌های مختلف فاصله بین افراد گویای نوع رابطه بین آنان است. فاصله بین افراد انواع گوناگونی دارد و در هر کدام از آنها پیام‌رسانی‌های خاص صورت می‌گیرد. با توجه به روابط غیرکلامی بین شخصیت‌های داستان می‌توان سه نوع فاصله کلی در میان شخصیت‌های داستان «من گنجشک نیستم» در نظر گرفت.

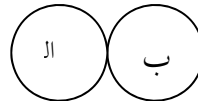
۱ - فاصله عمومی ( public distance ) فاصله رسمی بین افراد است (نک : فرهنگی، ۱۳۷۳ : ۲۷۸ - ۲۸۰ ) مثلاً فاصله بین ابراهیم و مسافران دیگر در اتوبوس (نک : مستور، ۱۳۸۸ : ۷۴) از این نوع فاصله است، اگرچه در کنار هم باشند اما ارتباط و تبادل پیام که در دیگر فاصله‌ها بین افراد است در میان آنان وجود ندارد. این نوع فاصله و پیام‌های آن میان فرهنگ‌ها از هم متمایز است. فاصله‌ای که بین کوهی هنگام سخنرانی با افراد آسایشگاه وجود دارد (همان : ۲۳) از این نوع است.

حالت



۲ - فاصله دوستانه (Intimate distance) این فاصله بین افراد نشان می‌دهد اشخاص با هم رابطه دوستانه دارند. مثلاً فاصله‌ای که بین کابلی و ابراهیم و دانیال هنگام خوردن صبحانه وجود دارد. (همان : ۱۴) یا فاصله بین ابراهیم با پیرمرد در کافه و فاصله بین ابراهیم و تاجی در اتاق (همان : ۵۷، ۷۸) از این نوع است و نشان می‌دهد که رابطه بین افراد رسمی نیست و افراد با هم احساس راحتی می‌کنند. در ایجاد این فاصله، برخلاف فاصله عمومی افراد خود دخالت دارند و می‌توانند آن را ایجاد کنند یا برهم بزنند ولی در فاصله عمومی محیط و فضای حاکم فاصله بین افراد را تعیین می‌کند.

حالت



۳ - فاصله شخصی (personal distance) این نوع فاصله به مرور زمان بین افراد ایجاد می‌شود و افراد به خواست خود آن را شکل می‌دهند و معمولاً موضوعات و پیام‌هایی که در این فاصله بین شخصیت‌ها مبادله می‌شود محرمانه و صمیمانه است و افراد به هرکسی اجازه نمی‌دهند که وارد حریم شخصی‌شان بشود. نزدیک شدن کابلی تا بیخ گوش ابراهیم (همان : ۲۳) برای گفتن مطلب محرمانه‌ای به اوست و همچنین نزدیک شدن پیرمرد به سمت ابراهیم در کافه (همان : ۷۸) تغییر فاصله از نوع دوستانه به صمیمانه است، در واقع پیرمرد با وارد شدن به حریم شخصی ابراهیم بر اهمیت گفته‌اش تأکید دارد. نشستن افسانه در کنار ابراهیم (همان : ۲۹) از این نوع می‌باشد.

حالت سوم



## ۱-۲ - ۲- ارتباط شنیداری

## پیرازبان

پیرازبان یا رفتارهای آوایی اطلاعات با ارزشی را درباره گوینده، در اختیار گیرنده پیام قرار می‌دهند. در این نوع ارتباط افراد با گوش سپردن به صدای افراد، کیفیت و داینگ صدا پیام‌های گسترده‌ای دریافت می‌کنند. دان آرچر (Dane Archer) و دیگران به رفتارهای آوایی (vocal Behavior) که از مجراهای ارتباطات غیرکلامی است پرداخته‌اند و نظریه رفتارهای آوایی را تقویت کرده‌اند که بر اساس آن از صدای انسان‌ها به اطلاعات فوق العاده‌ای می‌توان دست یافت که شامل احساس همدردی، جنسیت، وضع جسمانی، اندوه، شادی و ... است. (نک : ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸ : ۲۳۵ - ۲۳۶) پیرازبان شامل صداهای محیط اطراف نیز می‌باشد.

مکث و سکوت هم جزء پیرازبان به حساب می‌آید و با توجه به بافت ارتباطی مفاهیم گوناگونی را القا می‌کنند. در جدول شماره ۲ عمده‌ترین رفتارهای آوایی و پیامی که با تکیه بر متن داستان از آنها دریافت می‌شود به همراه منابع عمده ایجاد کننده رفتارها ذکر می‌شود.

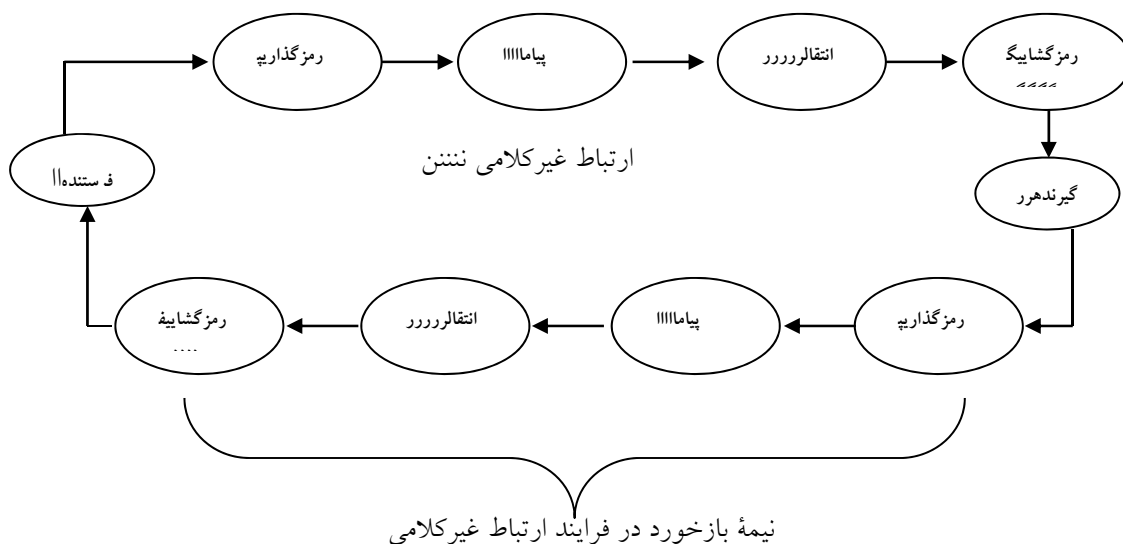
جدول شماره ۲: برخی از پیرازبان‌ها در داستان «من گنجشک نیستم»

پیرازبان	شماره صفحه	پیام	منبع ایجاد رفتارهای آوایی				
			کالبدی	تقریری	نم	آوازی	تلفظی
سکوت ناگهانی	۱۷	ناراحتی و غمگینی	x				
نفس نفس زدن	۱۶	خستگی و گرما	x				
صدای خش خش تلفن	۲۱	آزار دهنده			x		
سکوت هنگام سخنرانی کوهی	۲۳	ترس				x	
سکوت کوتاه	۴۰	عصبانیت					x
سکوت کوتاه	۴۹	ناراحتی					x
سکوت هنگام نمایش نوری	۵۲،۵۴	تعجب					x
سکوت طولانی	۴۶،۴۷	به فکر فرورفتن					x

				X		"	۵۰، ۳۰	سکوت طولانی
				X		ناراحتی	۵۰	صدای خفه و آهسته
			X			غم و اندوه	۶۵	آخ
		X				عصبانیت	۲۵، ۲۴	فریاد کشیدن
				X		"	۳۹	فریاد کشیدن
	X			X		آزار دهنده	۴۸	صدای افتادن ظرف ها
	X					"	۶۸، ۴۷، ۷	صدای گلوله
X						ترس	۵۹	فریاد زدن

۱ - ۳- بازخورد (Feed back)

واکنشی است که گیرنده در برابر پیامی که فرستنده ارسال می‌کند بروز می‌دهد. این عنصر ارتباطی نشان می‌دهد که دریافت کننده تا چه حد متوجه منظور پیام فرستنده شده است مثلاً با تکان سر آن را تأیید می‌کند که بازخورد مثبت ایجاد می‌شود و فرستنده به ادامهٔ تعامل تشویق می‌شود یا اینکه با حالت لب‌ها و چشم‌ها و دست‌ها متناقض بودن پیام و مفهوم فرستنده با نظر خود را نشان می‌دهد و بازخورد منفی را ارسال می‌کند که در جریان تعامل تأثیرگذار است، باعث قطع تعامل می‌شود و یا باعث جابه جایی نقش دریافت کننده و ارسال کنندهٔ پیام میگردد. ( نک : برکو و دیگران، ۱۳۸۶ : ۱۵) در نمودار شماره ۱، مدل ارتباطی بین فرستنده و گیرنده همراه بازخورد نشان داده شده است.



## نمودار شماره ۲: مدل ارتباطی بین فرستنده و گیرنده همراه با بازخورد

در میان تعاملات غیرکلامی که بین شخصیت‌های داستان ایجاد می‌شود بازخورد نقش تعیین کننده‌ای دارد. در تمام تعاملاتی که افراد با هم دارند اکثراً چه بعد از ارتباط کلامی و چه غیرکلامی بازخورد غیرکلامی بروز می‌کند (نک: مستور، ۱۳۸۸: ۱۵، ۲۳، ۳۰، ۴۵، ۵۵) شخصیت‌های این داستان از عامه مردم فاصله دارند، افرادی هستند که از احساسات عادی زندگی تهی‌اند و غالباً حس علاقه شدید نسبت به همسر از دست داده شان دارند و این احساس در رفتارهای آنان نقش زیادی را ایفا می‌کند. آنان در تعاملات میان فردی و عمومی کمتر بازخورد عاطفی و صمیمانه از خود آشکار می‌کنند. در برابر خودکشی دانیال بازخورد کابلی برجسته است او به صورت پر از خون دانیال نگاه می‌کند (همان: ۵۹) او بهت زده و غمگین است. بازخورد او به صورت مستقیم بعد از مشاهده رفتار دانیال صورت می‌گیرد دیگران؛ نوری، امیرماهان، ابراهیم و ... رفتار خاصی از خود بروز نمی‌دهند. و با توجه به فضای حاکم در داستان که غم و افسردگی را تداعی می‌کند بازخوردی‌های شخصیت‌ها نیز متأثر از فضای داستان می‌باشد و معمولاً بازخوردی بی تفاوت نسبت به اتفاقات و مایوس کننده است.

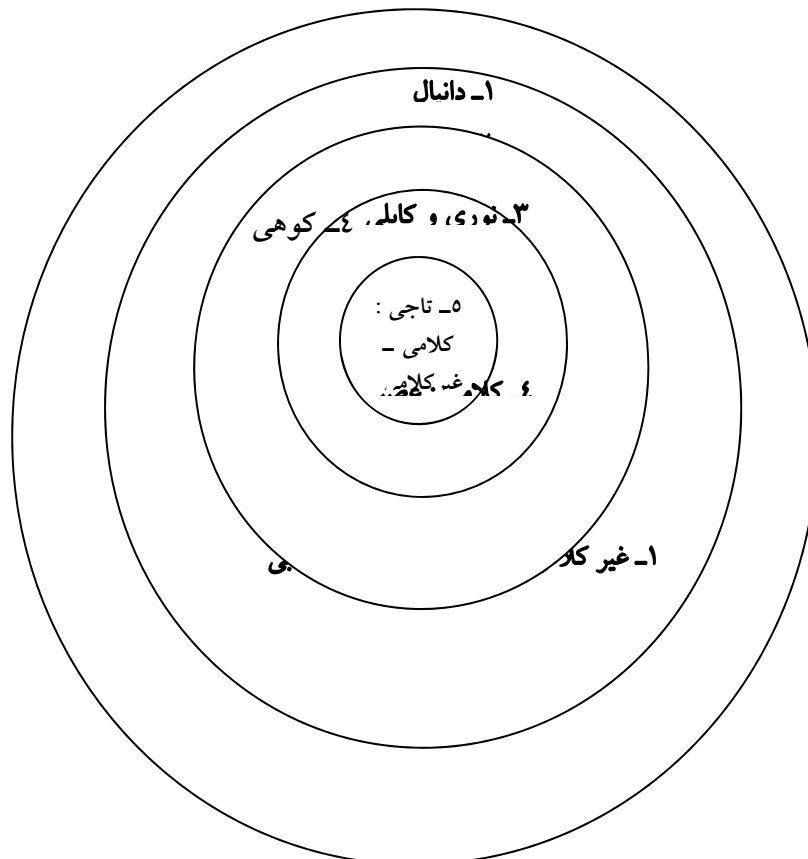
## نتیجه گیری

با بررسی عناصر ارتباطات غیرکلامی در داستان «من گنجشک نیستم» مفاهیم موجود در تعامل میان شخصیت‌ها نمایان می‌شود. رفتارهای غیرکلامی در کنار روایت گفتاری داستان نشان دهنده زندگی بغرنج انسان‌هاست. درگیری ذهنی هر کدام از شخصیت‌ها با عشق و زندگی از دست رفته‌شان تأثیر بسیار زیادی بر رفتار آنان گذاشته که قادر به فراموش کردن آن نیستند و مدام در فکر گذشته و ترس از مرگ‌اند. از میان سطوح سه گانه ارتباطی، شخصیت اصلی بیشتر ارتباط درون فردی دارد و منزوی است. دانیال هم فردی است که بیشتر با رفتارهای آشفته و فریادهای بلند ارتباط میان فردی یا عمومی دارد. رفتارهای او بیشتر شامل پیرازبان می‌شود مانند سکوت‌های طولانی، فریادهای بلند و ... و بعد از آن صداهایی که از محیط شنیده می‌شود نسبت به منابع دیگر زیادتر است.

کانال‌های ارسال پیام قلمرو وسیعی دارد اما در این داستان با توجه به اینکه شخصیت‌ها و رفتارشان محدودند کانال‌های ارتباطی که فرستنده و گیرنده در آن نقش دارند کمتر مشاهده می‌شود و شامل آواها، رفتارهای چهره و فاصله می‌شود البته زمان در داستان مانند ذهن افراد دچار آشفتگی است. بیشتر رفتارها پیام غم و افسردگی دارند و رفتار خنده فقط در یک جا که ابراهیم به خاطراتش با افسانه اشاره می‌کند به صورت گذرا وجود دارد و این کاملاً فضای یأس و افسردگی را نمایان می‌کند. این گونه عناصر ارتباط غیرکلامی در کنار روایت کلامی داستان کارکرد تکمیلی و مکملی دارند و کمتر دارای کارکرد متناقض‌اند.

در بخش بازخورد پیام‌ها نیز اکثر بازخوردها منفی و خنثی‌اند، به ویژه شخصیت دانیال و کابلی نسبت به دیگر شخصیت‌ها بازخوردهای بیشتر و مستقیمی در برابر رفتارها و گفتارها دارند اگرچه پاسخ آنان به رفتار دیگران با توجه به بافت و فضای ارتباطی اندوهناک است ولی بازخوردهای سریع کلامی و غیرکلامی دارند. و تاجی، پیرزنی است که کمتر فرستنده پیام به صورت غیرکلامی است و هنگامی که خود آغازگر تعامل است ارتباط کلامی دارد اما زمانی که در برابر رفتار دیگران کلافه و عصبی می‌شود رفتاری توأم با خشم را به صورت غیرکلامی بروز می‌دهد.

در نمودار شماره ۳ شخصیت‌های اصلی داستان براساس بیشترین حد رفتارهای غیرکلامی و القای پیام افسردگی و پوچی زندگی به ترتیب از بیشتر به کمتر نشان داده شده است.



## منابع

- آرژیل، مایکل (۱۳۷۸)، *روانشناسی ارتباطات و حرکات بدن*، ترجمه مرجان فرجی، تهران، مهتاب.
- برکو، ری ام و دیگران (۱۳۸۶)، *مدیریت ارتباطات*، ترجمه سید محمد اعرابی و داود ایزدی، تهران، پژوهش‌های فرهنگی.
- ریچموند، ویرجینا و جیمز سی. مک کروسکی (۱۳۸۸)، *رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی (درسنامه ارتباطات غیرکلامی)*، ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبدالله پور، زیر نظر غلامرضا آذری، تهران، دانشه
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۷)، *جستارهایی در ادبیات داستانی معاصر*، تهران، کانون اندیشه جوان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی ارتباطات*، تهران، اطلاعات.
- فرگاس، جوزف. پی (۱۳۷۹)، *روانشناسی تعامل اجتماعی: رفتار میان فردی*، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت، تهران، ابجد.
- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۳)، *ارتباطات انسانی*، ج ۱، تهران، تایمز.
- مستور، مصطفی (۱۳۸۸)، *من گنجشک نیستم*، تهران، چشمه.
- مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۵)، *دانش‌نامه‌ی نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران، آگه.
- مک‌کی، رابرت (۱۳۸۸)، *داستان ساختار، سبک و اصول فیلمنامه نویسی*، ترجمه محمد گذرآبادی، تهران، هرمس.